

**گروه اندیشه:** انتشار مصاحبه دکتر احمد احمدی در پایگاه اطلاع‌رسانی دبیر خله شورای انقلاب فرهنگی در تاریخ پنجم مرداد [آد خبر: ۷۱۴۰۹۱] با عنوان «بنیاد همه مشکلات را به گردن علوم انسانی انداخت؛ باید در مدیریت‌ها هم تحول ایجاد کنیم»، بار دیگر بحران علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران را نشان داد.
اگرچه بحران علوم انسانی در ایران همواره در یک طرح تکراری اجرا شده، اما هر بار به‌دنبال هدفی مشخص بوده و هست. جدال بر سر سنت یا تجد، معرفت‌محوری یا هویت‌سازی، مساله‌محوری یا معناسازی و از همه مهم‌تر دعوی بازار و دانشگاه این بحران را همیشه زنده نگاه داشته است؛ «دکتر احمدی، عضو کارگروه تحول و ارتقای علوم انسانی و دبیر شورای انقلاب فرهنگی در رابطه با عملکرد کارگروه شورای تحول و ارتقای علوم انسانی گفت‌وگو کرده است؛ گفت‌وگویی که دامنه بحران علوم انسانی را در این سال‌ها به فلسفه کشانده؛ به عبارت بهتر کانون بحران را فلسفه قرار داد. ایشان با بیان اینکه «باید به‌دنبال تربیت استاد و تالیف کتاب‌هایش»م تأکید کرد: «اگر هم در رشته‌ای نیاز به تغییرات احساس می‌شود باید پیگیر آن باشیم. برای مثال درخصوص رشته فلسفه باید بگویم که ما سعی داریم ورودی به این رشته از مقطع کارشناسی‌اش ارد به بالا صورت گیرد، همین جمله کافی بود تا چندروز بعد خبرگزاری مهر در لایه‌های خبر ۲۳۳۹۲۸۷ در دهم مرداد، فعالیت‌ها و عملکرد اخیر شورای تحول را از زبان دکتر احمدی تکرار کند؛ «شورای تحول و ارتقای علوم انسانی با تشکیل ۱۵ کارگروه اقدام به بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های علوم انسانی کرده است. شورای تحول و ارتقای علوم انسانی که زیر نظر شورایعالی انقلاب فرهنگی فعال شده، دارای ۱۵ کارگروه است که در حوزه‌های مطالعات زبان، جامعه‌شناسی، روانشناسی، تاریخ،فلسفه،تعلیم و تربیت، علوم سیاسی، زبان و ادبیات خارجی، هنر، اقتصاد، معماری و شهرسازی، رسانه و از تباطات و حقوق به منظور بازنگری برنامه‌های درسی فعالیت می‌کند.» اما «پیشنهاد حذف کارشناسی فلسفه» در ادامه مصاحبه هفته گذشته دکتر احمدی، مهم‌ترین بخش این خبر بود: «در هفته‌های گذشته احمد احمدی دبیر کارگروه فلسفه شورای تحول و ارتقای علوم انسانی پیشنهادی را مبنی بر حذف رشته فلسفه از مقطع کارشناسی مطرح کرد و گفت: دانشجوی مقطع کارشناسی رشته فلسفه بعد از اتمام چهارسال تحصیل نه می تواند معلم معرفت شود و نه می تواند شغل مناسبی پیدا کند به همین خاطر پیشنهاد کردیم اگر رشته‌ای کارایی لازم را ندارد، تغییر کند و در فلسفه این کار انجام خواهد شد.»

اما انتظار برای تکذیب خبر، گویی نیازمند پیگیری‌های مصرانه‌ای بود تا دبیر شورای تحول، ماهیت این خبر را روشن کند. در ادامه پیگیری‌ها حمید طالب‌زاده، دبیر شورای تحول در گفت‌وگو با «شرق»، گرچه سخنان احمدی را تکرار نکرد اما نظرات ایشان را نادقیق توصیف کرد و افزود: «من نمی‌شود علم را از پله پنجم شروع کرد، حذف مقطع کارشناسی غیرممکن است، هرچند آن بزگوار هم منظورشان حذف مقطع کارشناسی فلسفه نبوده است»، وی در ادامه افزود:

## نقد پیشنهاد حذف رشته فلسفه از مقطع کارشناسی

# بحران علوم انسانی

**حمید طالب‌زاده: سخنان احمدی نادقیق است**

«بناست رشته فلسفه در دانشگاه‌های تهران و علامه طی آزمون کنکور به شکل کارشناسی ارشد پیوسته اجرا شود. تمام برنامه‌ریزی‌های این امر انجام شده و منتظر تصویب وزارت علوم است و زمان اجرای این طرح مشخص نیست. به هیچ عنوان مقطع کارشناسی فلسفه حذف نخواهد اوصاف» از انتشار این خبر نزدیک به دو هفته می‌گذرد اما خبر نه از سوی پایگاه اطلاع‌رسانی شورای انقلاب فرهنگی تکذیب شد و نه خبرگزاری «مهر» عملکرد شورای تحول را از دبیر ششورا پیگیری کرد. از این‌رو، قوام و دوام این خبر واکنش اهالی فلسفه و استادان فلسفه را به همراه داشت. جمعی از استادان فلسفه موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، دانشکده فلسفه واحد علوم و تحقیقات تهران، برخی دانشکده‌های فلسفه و دانش آموختگان فلسفه در اعتراض به نشر این خبر، واکنش‌هایی نسبت به امکان تحقق این خبر نشان دادند. متن نامه استادان فلسفه موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و نیز نامه جمعی از دانش آموختگان فلسفه در ادامه می‌آید.

**نامه جمعی از اعضای هیات علمی**

**موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران**

در سایت شورایعالی انقلاب فرهنگی مصاحبه‌ای با آقای دکتر احمد احمدی عضو شورای انقلاب فرهنگی و عضو کارگروه تحول و ارتقای علوم انسانی انجام شده که خبرگزاری‌ها نیز بخش‌هایی از آن را نقل کرده‌اند، به‌ویژه این جمله را که «می‌خواهیم ورودی به رشته فلسفه از مقطع کارشناسی‌ارشد باشد.» آقای دکتر احمدی دلیل این امر را، که معلوم نیست نظر شخصی ایشان است یا تصمیمی است که آن کارگروه گرفته، این دانسته‌اند که «اندشجوی مقطع کارشناسی فلسفه بعد از اتمام چهار سال تحصیل نه می‌تواند معلم معارف شود و نه چیز دیگری... و نمی‌تواند شغل مناسبی پیدا کند» این سخنان از زبان هر کسی حیرت‌آور می‌بود، اما از زبان آقای دکتر احمدی که برورده حوزه و دانشگاه هستند حیرت‌آورتر است. تگرانی برای آینده شغلی دانشجویان رشته فلسفه کاملاً بجاست و همه معلمان این رشته در این تگرانی شریک هستند، اما بستن دوره‌های کارشناسی فلسفه این

مشکل را حل نمی‌کند، زیرا تنها فایده آن این است که دانشجویانی که از ریاافتن به این رشته محروم می‌شوند، چهارسال زودتر به خیل بیگاران بپیوندند. مشکل بیکاری فارغ‌التحصیلان چیزی نیست که مختص رشته فلسفه باشد و چاره آن هم در بستن رشته‌های دانشگاهی نیست. در کشور ما حتی بسیاری از دانشجویان رشته‌هایی که بنا به فرض باید کار کرد حرفه‌ای معینی داشته باشند پس از کسب درجه کارشناسی به کارهای دیگر روی می‌آورند. در این زمینه کافی است به مهندسان و پزشکیانی نگاه کنیم که به کار صادرات و واردات (و عمدتاً واردات) یا بسازوفروش مشغول‌اند. چه رسد به رشته‌های مانند فلسفه که کار کردی فرهنگی دارد و کار آن تربیت افراد برای اشتغال در مشاغل خاص نیست. حذف دوره کارشناسی در رشته فلسفه به همان اندازه مطلوب و ممکن است که در رشته مهندسی یا فیزیک و حتی اهمیت این دوره برای فلسفه از رشته‌های علمی دیگر بیشتر است. زیرا در این دوره است که ذهن دانشجو باید با مسایل فلسفی و شیوه فلسفی اندیشیدن آشنا شود. بنابراین حذف دوره کارشناسی فلسفه مالا به تضعیف و حذف تدریجی این رشته می‌انجامد و این کار در کشوری چون ایران با سابقه درخشانش در این حوزه، حاصلی جز تضعیف فرهنگ ملی ندارد و جوانان را مستعد روی آوردن به انواع ایدئولوژی‌های افراطی می‌کند. کسانی که دلواپس سست‌شدن اعتقادات دانشجویان این رشته هستند باید به این نکته بدیهی توجه کنند که نهال بی‌اعتقادی و کژاندیشی در زمین جهل بهتر رشد می‌کند و اگر ما در کشورهای اطرافمان شاهد رشد سریع انواع جریان‌های خطرناک افراطی‌گری به نام اسلام هستیم، دست‌کم یکی از دلایل آن این است که نسل جوان این کشورها در فضایی رشد کرده است که برخلاف کشور ما نه سنت دیرپای فلسفی داشته است و نه توانسته است در جذب و ادغام فرهنگ جدید و ایجاد گفت‌وگوی سازنده میان فرهنگ بومی و فرهنگ جدید موفق شود. افراطی‌گری نتیجه ساده‌اندیشی است و ضعیف‌شدن فلسفه و فکر فلسفی جز دامن‌زدن به ساده‌اندیشی حاصلی ندارد.

حذف دوره کارشناسی فلسفه و ابقای دوره‌های کارشناسی‌ارشد کاری است که هم حکمش بر ما پوشیده است و هم نحوه انجام‌دادنش. آن باید همه دانشجویان این دوره‌ها از میان دانش آموختگان رشته‌های دیگر انتخاب شوند؟ در سال‌های اخیر که برخی از دانش آموختگان ممتاز رشته‌های علوم و فنی و مهندسی و پزشکی به رشته‌های فلسفه و به‌ویژه فلسفه‌های بااصطلاح مضاف روی آورده‌اند،

حذف دوره کارشناسی فلسفه و ابقای دوره‌های کارشناسی‌ارشد کاری است که هم حکمش بر ما پوشیده است و هم نحوه انجام‌دادنش. آن باید همه دانشجویان این دوره‌ها از میان دانش آموختگان رشته‌های دیگر انتخاب شوند؟ در سال‌های اخیر که برخی از دانش آموختگان ممتاز رشته‌های علوم و فنی و مهندسی و پزشکی به رشته‌های فلسفه و به‌ویژه فلسفه‌های بااصطلاح مضاف روی آورده‌اند،

حذف دوره کارشناسی فلسفه و ابقای دوره‌های کارشناسی‌ارشد کاری است که هم حکمش بر ما پوشیده است و هم نحوه انجام‌دادنش. آن باید همه دانشجویان این دوره‌ها از میان دانش آموختگان رشته‌های دیگر انتخاب شوند؟ در سال‌های اخیر که برخی از دانش آموختگان ممتاز رشته‌های علوم و فنی و مهندسی و پزشکی به رشته‌های فلسفه و به‌ویژه فلسفه‌های بااصطلاح مضاف روی آورده‌اند،

محمد علی‌شاه، پسر ناصرالدین شاه قاجار، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

## اندیشه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

آیت‌الله محمد باقر مجلسی، مرجع تقلید شیعه، در حال مطالعه

## واکنش

## تحلیل نابالغی

**جمعی از مدرسان، دانش آموختگان، دانشجویان و پژوهشگران فلسفه در نامه‌ای اعتراضی خود را به سخنان احمد احمدی مبنی بر پیشنهاد حذف رشته فلسفه از دوره کارشناسی اعلام کردند.**

متن این نامه به شرح زیر است:

در خبری که هفته گذشته در خبرگزاری‌ها منتشر شده است[۱] حجت‌الاسلام احمد احمدی «دبیر کارگروه فلسفه شورای تحول و ارتقای علوم انسانی» خبر از تصمیم این شورا برای حذف برخی از رشته‌های مختلف علوم انسانی و در صدر آنها رشته فلسفه از دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌ها داده است. حجت‌الاسلام احمدی در تبیین نگاه کلی این شورا به ۳۴ رشته موجود علوم انسانی گفته است: «برخی برنامه‌ها در حال حاضر مورد نیاز نیست که باید برداشته شوند و برخی نیاز است که اضافه شوند». حجت‌الاسلام احمدی توضیح نداده که منظورش از «نیاز» دقیقاً چیست؟ نیاز چه کسی و نیاز به چه چیزی؟ اما ایشان با اعلام اینکه کارگروه‌ها پیشنهاد حذف رشته فلسفه از دوره کارشناسی را داده، مصداق آن نیاز را در مورد رشته فلسفه چنین بیان کرده‌اند: «اندشجوی مقطع کارشناسی رشته فلسفه بعد از اتمام چهارسال تحصیل نه می‌تواند معلم معارف شود و نه می‌تواند شغل مناسبی پیدا کند» و معنی با عارف تشوید نه و چیز دیگری، و معنی با مدرک کارشناسی رشته فلسفه دانشجو تنها دچار سردرگمی می‌شود و نمی‌تواند شغل مناسبی پیدا کند به همین خاطر ما پیشنهاد کردیم اگر رشته‌ای کارایی لازم را ندارد، تغییر کند حتی کارایی لازم را ندارد، تغییر کند هم‌طور که در فلسفه این کار انجام خواهد شد».

نیازی به شرح نیست که حذف کارشناسی رشته فلسفه رواقع به معنی حذف کلی آن است. از این گذشته، هیچ‌مردج بسته و متمرکزی به صلاحیت نداشت که بگوید جامعه به کدام رشته علوم انسانی نیاز دارد یا ندارد. علوم انسانی و طبیعی محصول تلاش جامعه بشری برای رفع نیاز به دانستن بر تریکی و جهالت و محصول نیاز به روشنگری‌اند. دبیر کارگروه «فلسفه» در شورای مذکور قاعداً زمانی از زبان کانت خوانده است که روشنگری «خروج آدمی است از نابالغی به تقصیر خوشتن خود و نابالغی توانایی به به کارگرفتن فهم خوشتن است بدون هدایت دیگری. به تقصیر خوشتن است از نابالغی، وقتی که علت آن نه کمبود فهم، بلکه کمبود اراده و دلیری در به‌کارگرفتن آن باشد بدون هدایت دیگری،[۲]

اراده‌ای که می‌خواهد رشته‌های علوم انسانی را از دانشگاه‌ها حذف کند درواقع از پیش، از نیاز اجتماعی به دانستن و به‌کارگرفتن فهم خوشتن بدون هدایت دیگری» را نفی می‌کند. حق اشتغال البته یکی از حقوق اولیه شهروندان است؛ چه تحصیلات دانشگاهی داشته باشند و چه نداشته باشند و البته مهم‌ترین ضمانت حقوقی این حق وجود فرصت‌های برابر در دسترسی به منابع و موقعیت‌های اجتماعی برای همه شهروندان بدون هیچ‌گونه تبعیضی است. باید گفت صرف همه سیاست که از بالای او مدرسان و دانش آموختگان و دانشجویان علم انسانی شورای ایران در ادامه حیات یک رشته تصمیم بگیرد، مصداق نابرابری در برخورداری از حق تعیین سرنوشت و به تبع، نابرابری در دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی است. وجود فلسفه و تک‌تک این رشته‌ها موهن سالفه و تجربه و وقف عمر از سوی استادان و دانش آموختگان آنهاست؛ وجود این رشته‌ها موهن فعالیت اجتماعی برای رف همان نیاز به دانستن است و حذف فلسفه و هرکدام از این رشته‌ها در عمل به معنی تحمیل نابالغی است.

ما مدرسان، دانش آموختگان، دانشجویان و پژوهشگران فلسفه اعلام می‌کنیم که با این تحمیل نابالغی مخلفیم

[۱] در نوشته حاضر نقل‌قول‌ها از خبر خبرگزاری مهر با ۲۳۳۹۲۸۷ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۷ درج شده‌اند.

[۲] امانوئل کانت، «در پاسخ به روشن‌نگری چیست»، ترجمه سیروس آرین‌پور، در روشن‌نگری چیست؟ نظریه‌ها و تعریف‌ها، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۷–۲۷.

سال یازدهم • شماره ۲۰۸۳ • روزنامه **شرق**

**بررسی**

## حذف فلسفه از دانشگاه

**یا حذف اندیشه‌ورزی از جامعه؟**

**جلال نهانی‌زاده**، دانشجوی فلسفه

پرسش‌هایی بنیادین نظیر پرسش از حقیقت، عدالت و چیستی صداقت، ما را به مسیری بی‌پارگشت از مطالعه و پژوهش و اندیشه‌ورزی فلسفی سوق خواهند داد و در این مسیر، همواره باور به معرفت، چنان پیچیده و دشوار به نظر خواهد رسید که بسیاری را به تکاپو برای یافتن پاسخ پرسش‌هایشان وامی‌دارد. از نوجوانی دبیرستانی گرفته تا پیرمردی بازنشسته، همه پرسش از چیستی و چرایی هستی را تجربه کرده‌اند. پرسش‌هایی که پرسش‌های متنوع دیگری را به‌دنبال خواهند داشت. در روزهای گذشته، گزارشی از خبرگزاری مهر منتشر شده است مبنی بر اینکه یکی از دبیران کارگروه فلسفه شورای تحول و ارتقای علوم انسانی، پیشنهادی را مبنی بر حذف رشته فلسفه از مقطع کارشناسی مطرح کرده است. انتشار این گزارش،